شیوه های انتقال اطلاعات شغلی به دانش آموزان

قسمت اول

دژبخش/ مدیرموسسه مشاوره شغلی وکاریابی هستی

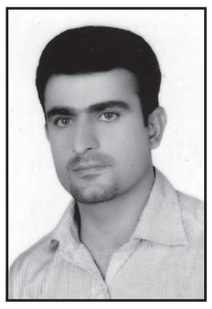

داشتن شغل مناسب از آرزوهای هر نوجوان و جوان به شمار می آید و انتخاب شغل را می توان از جمله مهمترین انتخاب های یک فرد در طول زندگی‌اش دانست.

بر اساس دیدگاه‌های مختلف، چه انتخاب شغل را فرایند آنی بدانیم، یعنی بر این نظر معتقد باشیم که انتخاب شغل در یک دوره سنی خاص و بدون پیش زمینه خاص اتفاق می‌افتد، و چه انتخاب شغل را فرایندی تکاملی بدانیم، یعنی بر این عقیده باشیم که انتخاب شغل در طول زمان شکل می گیرد و سال‌ها طول می کشد تا فرد راجع به مشاغل فکر کند، تصمیم بگیرد و به آن اشتغال ورزد، در هر دو مورد برای این که فرد شغلی را انتخاب کند، می‌بایست اطلاعات کافی از مشاغل داشته باشد، اصولاً تصمیم گیری بدون داشتن اطلاعات، تصمیمات بی پایه و اساس محسوب می‌شود. اما سوال اینجاست که ارایه اطلاعات شغلی را باید از چه دوره و زمانی شروع کرد؟ بیشتر اندیشمندان بر این نظر هستند که باید از دوره نوجوانی و حتی کودکی این اطلاعات شغلی به افراد جامعه منتقل شود.

سوال اساسی بعدی این است، این اطلاعات شغلی و حرفه‌ای چگونه و به چه روش و شیوه‌هایی باید به دانش آموزان انتقال یابد؟ پاسخ به این سوال بحث اصلی مقاله حاضر است. در این مقاله کوشیده‌ایم، ضمن تعریف اطلاعات شغلی و حرفه‌ای و ضرورت و اهمیت و هدف آن، شیوه‌های آموزش و انتقال آن را به دانش آموزان بیان کنیم. یکی از اصول مهم تعلیم تربیت، اصل فعالیت است بنابراین از میان شیوه‌های انتقال اطلاعات شغلی و حرفه‌ای شیوه‌ای مناسب تر است که به فعالیت دانش آموزان بیشتر توجه کند. امید است این مقاله مورد توجه و استفاده معلمان و دانش آموزان قرار گیرد. ان شاءالله. اطلاعات شغلی و حرفه‌ای، مجموعه اطلاعاتی است که به افراد کمک می کند تا در زمینه تعیین مسیر زندگی شغلی‌شان، تصمیم گیری نمایند. این اطلاعات به بررسی دنیای مشاغل و شناسایی خصوصیات شغلی می پردازد.

اطلاعات شغلی و حرفه‌ای با راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای ارتباط تنگاتنگی دارد، به طوری که راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای فرایندی مداوم و پیوسته است که بدان وسیله به فرد کمک می‌شود تا بتواند شغل مناسبی را انتخاب کند، برای آن آماده شود، به آن اشتغال ورزد و بطور موفقیت آمیزی به اشتغال ادامه دهد.

بنابراین در فرایند راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای به مراجعان کمک می‌شود، از یک طرف به خودشناسی و از طرف دیگر به حرفه‌شناسی بپردازند.

حرفه‌شناسی از طریق اطلاعات شغلی و حرفه‌ای حاصل می‌شود. بنابراین می توان گفت اطلاعات شغلی و حرفه‌ای، ابزار مناسب و لازمی برای راهنمایی و مشاوره شغلی است. اطلاعات شغلی و حرفه‌ای مجموعه‌ای کامل از شرایط شغل، انتخاب شغل و تداوم اشتغال موفقیت آمیز آن است.

معرفی مشاغل و فضای کاری مشاغل، میزان نیاز به آن شغل، شرایط ورود و موفقیت در شغل، میزان تخصص و مهارت مورد نیاز و تغییرات آینده شغلی و حرفه‌ای بخشی از اطلاعات شغلی محسوب می‌شود. هدف نهایی از ارایه اطلاعات شغلی و حرفه‌ای، کمک به تصمیم گیری صحیح مراجعان در زمینه انتخاب و موفقیت در شغل است.

و هدف‌های ارایه اطلاعات شغلی و حرفه‌ای عبارتند از:

۱- مکاشفه: از طریق اطلاعات شغلی و حرفه‌ای، مراجع به شناخت دنیای مشاغل می پردازد و پس از شناسایی خصوصیات فردی به مکاشفه آن گروه از مشاغل که در انجام آن‌ها موفق تر خواهد شد، اقدام می‌نماید. مکاشفه مرحله مهمی در انتخاب و تصمیم گیری است، زیرا پس از مکاشفه و بررسی امکانات، انتخاب دقیق تر و مناسب تر انجام خواهد گرفت.

۲- آگاهاندن: آشنا ساختن مراجع با مشاغل متعدد و بررسی امکانات استخدامی می تواند در تصمیم گیری شغلی و حرفه‌ای حایز اهمیت فراوانی باشد. آگاهانیدن مراجع در زمینه‌های شغلی و خصوصیات فردی انجام می پذیرد. یعنی در این مرحله فرد از علایق و استعدادهای خود برای اشتغال آگاه و مطلع می گردد.

۳- ایجاد انگیزه: یکی از هدف‌های ارایه اطلاعات شغلی و حرفه‌ای آن است که مراجع به انتخاب شغلی در آینده علاقمند شوند. اگر اطلاعات به طور گام به گام و با توجه به اصول، در دسترس مراجع قرار بگیرد، مراجع به کمک مشاوره به طرح‌ریزی حرفه‌ای اقدام خواهند نمود که سرانجام به انتخاب شغل مناسبی منجر می گردد.

۴- ادامه اشتغال: ارایه اطلاعات شغلی و حرفه‌ای حتی پس از انتخاب شغل نیز ادامه می‌یابد و باعث می‌شود فرد در زمان اشتغال کارایی‌اش را افزایش دهد. اهمیت اطلاعات شغلی و حرفه‌ای‌جوامع بشری برای تداوم حیات خود نیاز به نیروی کار دارند. حتی در زندگی انسان‌های اولیه نیز، انجام کار، امری ضروری بوده و امروز نیز کار بخش عمده‌ای از وقت شبانه‌روز ما را به خود اختصاص می‌دهد. اما پیشرفت‌های بشری در تمام زمینه‌ها از جمله علوم، فنون، صنایع و به وجود آمدن تکنولوژی‌های مدرن باعث شده است، انسان‌ها نتوانند همانند گذشته به کاری بپردازند و شغلی را احراز نمایند.

به عبارت دیگر انتخاب شغل امری پیچیده و نسبتاً طولانی شده که فرد باید طی برنامه‌ریزی شغلی و سال‌های متوالی و کسب مهارت و یا اطلاعات و یا تخصص‌های لازم به انتخاب شغل مبادرت ورزد. برای انتخاب شغل، شناخت صحیحی از دنیای مشاغل، شرایط ورود و پیشرفت شغلی، امکانات و فرصت‌های استخدامی امری حیاتی است که ما این گونه اطلاعات را از راه اطلاعات شغلی و حرفه‌ای بدست می آوریم. بنابراین اطلاعات شغلی و حرفه‌ای موجب می‌شود فرد در تصمیمات شغلی خود تصمیمات منطقی تری اتخاذ نماید.

شیوه‌های آموزش اطلاعات شغلی به دانش آموزان: شیوه‌های مختلفی برای آموزش و انتقال اطلاعات شغلی و حرفه‌ای وجود دارد. اما می توان به دو شیوه‌ی کلی آموزش رسمی و آموزش غیررسمی اشاره کرد که به توضیح مختصری از آن می پردازیم:

۱- آموزش رسمی: آموزش رسمی عبارت است از آموزش منظم که معمولاً در مدارس و دیگر موسسات آموزشی صورت می گیرد. (امان الله صفوی، ۱۳۸۲، ص۱۲). این آموزش از سطح ابتدایی تا دانشگاه و از آموزش عمومی تا آموزش تخصصی را شامل می‌شود و با اتمام موفقیت آمیز یک دوره، فرد به سطوح بالاتر ارتقاء می‌یابد. وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و غیردولتی زیادی در این بخش ارایه این آموزش‌ها را به عهده دارند. در این زمینه انتقال اطلاعات شغلی به دانش آموزان بیشتر از طریق آموزش‌های رسمی مدرسه‌ای و کارگاهی و قانونی استفاده می‌شود. این نوع آموزش‌ها عموماً طولانی مدت و هزینه‌بر هستند و با برنامه منسجم از قبل طراحی شده خود، فراگیران را آموزش می‌دهند.

۲- آموزش غیررسمی: آموزش غیررسمی به نوعی از آموزش اطلاق می‌شود که خارج از نظام آموزش رسمی بوده و به صورت پیوسته یا گسسته از نظر زمان قابل اجرا است. (همان منبع، ص ۱۳).

در گذشته آموزش غیررسمی بیشتر متداول بود. اطلاعات و دانش و مهارت‌ها از طریق خانواده و تعدادی نهادهای محدود اجتماعی به صورت سنتی ارایه می‌شد. اما امروزه آموزش‌های رسمی جای آموزش‌های غیررسمی را گرفته است و دیگر شرایط اجتماعی و پیشرفت‌های تکنولوژیکی بشری اجاره نمی‌دهد، افراد آموزش‌های خود را خانوادگی و یا مهارت‌هایشان را از طریق شاگرد- استادی فرا بگیرند. در محال علمی و آکادمیک، ارزش زیادی برای آموزش‌های غیررسمی قایل نیستند و برای اثبات بلد بودن یک علم یا مهارت باید مدارک آموزش‌های رسمی ارایه نمود.

بنابراین آموزش‌های غیررسمی گاهاً وسیله‌ای هستند تا آموزش‌های رسمی آموزش بیننده تداوم یابد. به این معنی که فرد برای به دست آوردن صلاحیت لازم حرفه‌ای از نظر مدرک، دوباره به آموزش رسمی روی می آورد.

ادامه دارد

طلاق پدیده ای نامیمون و بیماری مسری

○ محمد مراحل- کارشناس ارشد جامعه شناسی-بهبهان

واژه ی طلاق لغتی برگرفته از زبان عربی است که معنای پیمان بریدن و جدا شدن را می دهد و در اصطلاح علم حقوق جدایی و فسخ نکاح و پیمان زناشوئی بین زن و مرد را طلاق می گویند. در فرهنگ لغت و ترمنیولوژی جامعه شناسی از پدیده طلاق بعنوان یک آسیب اجتماعی نام برده شده و در مبحث و مقوله پاتولوژی اجتماعی بعنوان یک معضل یا یک بیماری که بر پیکر جامعه عارض شده بحساب می آید.

بیماری طلاق همچون یک عارضه معلولی است که دارای علت یا علل خاصی است و برای درمان این بیماری که بر اندام یک جامعه متولی می شود و بخش مهمی از کارکرد این مجموعه اورگانیک را دچار اختلال و بی نظمی می کند باید علت آنرا شناخت و ریشه ی آنرا یافت و سپس برای درمان اقدام به صدور دستورالعمل طبی یا پیچیدن نسخه نمود.

متأسفانه امروز این بیماری بر اورگانیزم و اندام جامعه ما وارد شده و بیرحمانه اصلی ترین و بنیادی ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده را مورد تهدید و هجمه قرار داده و ادامه حیات و نظم طبیعی این عضو مهم از پیکره ی اجتماع را دچار اختلال نموده و طبعاً عوارض این ناخوشی لحظه لحظه ی حال و آینده جامعه ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

امروزه کمتر روزنامه یا نشریه یا مطبوعه ای را می توان یافت که در آن حرف و کلامی از این پدیده بر زبان قلم رانده نشده باشد و همه ی حرف ها و حدیث ها از حضور پررنگ و خطر ساز و هستی سوز این عارضه کلام به میان می آورند.

روزنامه اطلاعات می نویسد. ۵ درصد ازدواج ها قبل از ۵ سال به طلاق می انجامد و یا می نویسد ۱/۵ برابر آمار ازدواج طلاق وجود دارد، یا مطبوعه ی دیگری می نویسد: تعداد ثبت طلاق ها دو برابر ثبت ازدواج هاست و نیز نوشتاری دیگر نیز از ذکر بدو نامیمون این پدیده آمار و ارقام دل آزادی را به چشم جان می رساند.

همه می دانیم که انجام فعل طلاق از نظر دین و قانون امری حلال است و ایضاً نیز واقفیم که بنقل از معصوم کریه ترین حلال، طلاق و جدائی زن و مرد است و کراهت و ناهنجاری این عمل تا بدانجاست که در بعضی از ادیان و مذاهب بعضاً طلاق ممنوع و در بعضی دیگر شرایط بسیار سختی را برای امکان وقوع این امر در نظر گرفته اند.

با این مقال ذکر این نکته توضیح واضحات خواهد بود که بگوئیم پدیده ی طلاق رفتاری مخرب و عمل مکرهی است که دارای عوارض بسیار سویی در جامعه است و نیز می دانیم که این بیماری مانند خوره در نسوج جامعه ما رسوخ کرده و هر روز چهره عبوس و ویرانگر خود را بیشتر نمودار می سازد و متأسفانه همچون یک بلای مسری هر روز دامنه و گستره ی تأثیر خود را وسیعتر نموده و عمومی تر می شود. پس چه باید کرد؟ چگونه باید عمل کرد تا این مسئله به کلی از میان رفته یا همانند گذشته یک رفتار نادر و کمیاب گردد.

برای رسیدن به این هدف چند فاکتور اصلی و چند عامل فرعی دخیلند و اولین و مهم ترین فاکتور، این فرآیند است که مسئولین و دولتمردان و اشخاص و مقاماتی که بنوعی در مسند اداره و هدایت جامعه هستند به این مسئله حساسیت نشان داده و عزم خود را در زدودن این معضل جزم نمایند.

و نیز بایستی بدانیم که پدیده های اجتماعی دارای رابطه و پیوند علت و معلولند و برای تأثیرگذاری بر این پدیده‌ها که عموماً معلولند باید علت ها را شناخت و امر منشأ و ریشه ی معلول ها را یافت و به تحلیل کشاند و بر اساس و سیاق تئوری ها و قوانین علمی برنامه ریزی نمود و حتماً باید دانست که تنها حرف و نصیحت راه گشا و حل کننده ی این مشکل نخواهد بود. البته در این نوشتار هدف اصلی نگارنده بر ایجاد حساسیت و نمودار نمودن بعد و حجم خطری است که این مسئله می تواند بر کارکرد جامعه داشته باشد و نیز معطوف نمودن توجه مسئولین امر که این خطر را باید بسیار بسیار جدی گرفت و برای رفع درمان آن آستین همت را بالا کشید.

لذا با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع تلاش خواهیم کرد که در آینده و در ادامه بحث به تبیین و شرح رابطه علت و معلولی و نیز علت پیدایش گسترش روزافزون این قضیه پرداخته و در حد توان و بضاعت علمی و تجربی به زمان راه کارها و اقداماتی که می تواند کاهش این روند تأثیر گذار باشند خواهیم پرداخت.

در پایان مجدداً به مسئولین امر توصیه می نمائیم که خطر پدیده ی طلاق و گسترش روز افزون آنرا باید جدی گرفت و برای مهار کردن هرچه بیشتر آن اندیشید، برنامه ریزی کرد و هزینه نمود که در راستای حل این معضل هرچه بیشتر وقت بگذاریم و هزینه مالی مصرف نمائیم.

کاری بجا و مفید و مثمر انجام داده و در این راه متضرر نخواهیم شد.

دادنامه

۱۳۹۷۳/۴۰۳۷

شکات: ۱- آقای علی رنجبر به نشانی شیراز بلوار پاسارگادخ سپیده کوچه ۲/۱۲ درب دوم سمت راست
۲- آقای سعید رنجبر به نشانی شیراز بلوار پاسارگادخ سپیده کوچه ۲/۱۲ درب دوم سمت راست
متهمین: ۱- آقای امین پناهی ۲- آقای داریوش علی نژاد ۳- آقای عبدالحسین نجفی هر سه با وکالت آقای صدراله محمدی به نشانی فیروزآباد روبروی دادگستری دفتر وکالت
۴- رضا شهسواری مجهول المکان

اتهام: شرکت در آدم ربایی، قدرت نمایی با گاز اشک آور، تهدید با چاقو، اخاذی از طریق گرفتن تلفن همراه، جرح عمدی با شمشیر منجر به نقص عضو و تهدید به قتل

بتاریخ فوق در وقت فوق العاده جلسه شعبه ۱۰۲ جزایی دادگاه عمومی فیروزآباد بتصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است دادگاه با بررسی محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال و تکیه بر شرف و وجدان بشرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی دادگاه

در خصوص اتهام آقایان ۱- داریوش علی نژاد فرزند حسین علی ۲- رضا شهسواری (فاقد مشخصات دیگر به جهت مجهول المکان بودن) ۳- عبدالحسین نجفی فرزند نصر الله ۴- امین پناهی فرزند احمد معروف به امراله متهمان ردیف اول، سوم و چهارم با وکالت آقای صدرالله محمدی متهم ردیف اول دایر بر شرکت در آدم ربایی، متهم ردیف دوم دایر بر شرکت در آدم ربایی، قدرت نمایی با گاز اشک آور، نگهداری گاز اشک آور، تهدید با چاقو، اخاذی از طریق گرفتن تلفن همراه، متهم ردیف سوم دایر بر جرح عمدی با شمشیر منجر به نقص عضو و تهدید به قتل متهم ردیف چهارم دایر بر معاونت در آدم ربایی و معاونت در ایراد ضرب و جرح عمدی، موضوع کیفر خواست دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان فیروزآباد و شکایت آقای سعید رنجبر خلاری فرزند نازعلی بدین شرح که شاکی اظهار داشته «شب قبل از حادثه با دوست دانشجویم به نام پوریا میرزایی جهت درس خواندن به منزل دوست پوریا به نام هادی رفتیم. هادی که صاحب منزل بود. دو نفر دیگر را به منزل آورد که ما نمی شناختیم و آن دو نفر خوابیدند. من با پوریا جهت خرید شام رفتیم. یکی از دوستانم به نام حجت را دیدم و من به او تعارف کردم که ما دعوت هستیم شما هم اگر دوست دارید بیائید و قبول کرد. به اتفاق به منزل هادی رفتیم شب را خوابیدیم. نیمه های شب از صدای داد و فریاد بیدار شدم دیدم آن دو نفر با حجت درگیر شده اند. من هم میانجی کردم آن دو نفر می خواستند مرا نیز بزنند پس از مصدوم شدن حجت خودم او را به بیمارستان رساندم... ساعت ۱-۱۲ بود که از منزل آمدم بیرون جهت رفتن به دانشگاه که فردی به نام رضا شهسواری و داریوش نامی به اصرار به من گفتند تو را می رسانیم. قبول نکردم. آن ها خداحافظی کردند. بعد از چند لحظه احساس کردم ضربه ای به سرم خورد و به زور کارد مرا سوار موتور کردند و من را به تنگه مهرک بردند. آنجا شخص دیگری منتظر بود. هر سه نفر مرا مورد ضرب و شتم قراردادند. دست و پایم را بستند و به درون غاری بردند. شخص دیگری به نام امین پناهی که برادر حجت بود با یک نفر دیگر به آنجا آمدند و مرا قسم داد که آیا حجت با قصد قبلی به آن خانه بردی من هم قسم خوردم که روحم خبر نداشته و به من گفت صبر کن که داریوش موتور را بیاورد و تو را ببرم و منتظر بودم که داریوش با شخصی به نام عبدلی (عبدالحسین نجفی) آمدند. که عبدلی با شمشیر به طرف من حمله کرد....» دادگاه اولاً نسبت به اتهام متهمین ردیف اول و دوم دایر بر شرکت در آدم ربایی، ردیف سوم دایر بر ایراد جرح عمدی با شمشیر منجر به نقص عضو و ردیف چهارم دایر بر معاونت در آدم ربایی، با عنایت به کیفر خواست تقدیمی دادسرا، صورتجلسه و گزارش مورخ ۱۳۹۰/۹/۹ مأمورین نیروی انتظامی، مفاد اظهارات و شکایت شاکی، گواهی صادره از پزشکی قانونی، اقرار صریح و مقرون به واقع متهم ردیف سوم در محضر دادگاه بدین شرح که اظهار داشته "داریوش و رضا شهسواری و امین سعید را سوار موتور کرده بودند برده بودند بالا. داریوش به من زنگ زد گفت سعید را گرفته‌ایم. بیا بالا که من هم رفتم ... من در اوج عصبانیت تحریک کردند من هم او را زدم" اظهارات متناقض متهمین ردیف اول و چهارم بدین شرح که بدواً بکلی منکر آشنایی قبلی با شاکی بوده اند. و لیکن متعاقباً اقرار به حضور در محل وقوع جرم نموده اند. متهم ردیف اول (داریوش علی نژاد) طی صورتجلسه مورخه ۹۱/۲/۳۱ دادسرا اظهار داشته "من از این قضیه هیچ اطلاعی ندارم. سعید رنجبر را نمی شناسم" متعاقباً طی صورتجلسه مورخ ۹۱/۱/۲۷ دادگاه اظهار داشته "ساعت ۱۱ صبح در خانه خواب بودم رضا شهسواری آمد درب خانه گفت حجت برادر امین پناهی چاقو خورده بیا برویم. ما با هم رفتیم جلو خانه امین پناهی سعید ایستاده بود گفت من هم می آیم در بین راه رضا شهسواری گفت سعید آن روز که بالا رفتیم تریاک کشیدیم وافور را جا گذاشتیم برویم آن را بیاوریم. بعد برویم بیمارستان که رفتیم من و سعید و رضا با یک موتور سه پشته رفتیم. موتور مال من بود. وقتی رسیدیم سعید با رضا درگیر شد با چاقو او را زد. من زنگ زدم به امین پناهی چون به خاطر برادر امین بود که رضا این کار را کرد. امین ۲۰ دقیقه بعد آمد بالا..." و با عنایت به اینکه به شرح اظهارات طرفین، انگیزه متهمان در بردن شاکی و سپس ضرب و جرح وی محرز بوده بدین نحو که شب قبل از وقوع جرم برادر متهم ردیف چهارم به نام حجت پناهی توسط شخص یا اشخاصی مورد ضرب و جرح قرار گرفته و متهمان پنداشته اند شاکی شخص مورد نظر (حجت پناهی) را به منزل دوستش کشانیده تا مورد ضرب و جرح قرار گیرد. و با توجه به عدم حضور و عدم ارائه دفاع مؤثر از جانب متهم ردیف دوم در محضر دادسرا و دادگاه، اتهام انتسابی به متهمان محرز و مسلم تشخیص به استناد مواد ۲۹۴-۲۹۵-۴۸۰-۶۱۴ و ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی حکم بر محکومیت متهمین ردیف اول و دوم به تحمل پانزده سال حبس تعزیری توجهاً اینکه ربودن با وسیله نقلیه انجام شده و آسیب جسمی نیز به شاکی وارد شده است بابت بزه آدم ربایی، ردیف چهارم به تحمل پنج سال حبس تعزیری بابت بزه معاونت در آدم ربایی، ردیف سوم به تحمل پنج سال حبس تعزیری بابت جنبه عمومی بزه ایراد جرح عمدی با شمشیر منجر به نقص عضو و از بابت جنبه خصوصی و حق الناسی بزه مزبور حکم به محکومیت نامبرده به پرداخت (۱) یک و نیم درصد دیه کامل بابت جراحت بخیه شده ساعد دست راست، به طول ۱۰ سانتی متر (متلاحمه) که منجر به قطع ناکامل عصب زند زیرین سمت راست شده است. (۲) یک و نیم درصد دیه کامل بابت جراحت بخیه شده مچ دست راست (متلاحمه) که منجر به پارگی رباط مچ دست راست شده است. (۳) یک و نیم درصد دیه کامل بابت جراحت بخیه شده کف دست چپ متلاحمه (۴) دو دو هزارم (۲/۲۰۰۰) دیه کامل بابت جراحت بخیه شده پایه انگشت دوم دست چپ (دامیه) (۵) سه سه هزارم (۳/۳۰۰۰) دیه کامل بابت جراحت بخیه شده پایه انگشت سوم دست چپ (متلاحمه) که منجر به پارگی رباطی شده است. (۶) دو دو هزارم (۲/۲۰۰۰) دیه کامل بابت جراحت بخیه شده بنداول انگشت دوم دست چپ (دامیه) (۷) سه سه هزارم دیه کامل (۳/۳۰۰۰) بابت جراحت بخیه شده بند اول انگشت سوم دست چپ (متلاحمه) در حق شاکی ظرف مهلت یک سال پس از ایراد جرح صادر و اعلام می دارد. نسبت به سایر صدمات با توجه به اینکه شاکی علیرغم ابلاغ، اقدامی جهت ارائه گواهی قطعی پزشکی قانونی ننموده، دادگاه مواجه با تکلیفی نیست. ثانیاً نسبت به اتهام متهم ردیف دوم دایر بر اخاذی از طریق گرفتن تلفن همراه و متهم ردیف سوم دایر به قتل و متهم ردیف چهارم دایر بر معاونت در ایراد جرح عمدی با چاقو نظر به اینکه دلایلی که ایجاد قطع و یقین بر وقوع بزه های موصوف نماید اقامه وابراز نگردیده و ارکان و شرایط بزه معاونت در موضوع مطروحه محقق نبوده لذا اتهامات انتسابی محرز ندانسته به استناد بند الف ماده ۱۷۷ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی وانقلاب در امور کیفری و حاکمیت اصل برائت حکم بر برائت متهمان صادر و اعلام می دارد. ثالثاً نسبت به اتهام ردیف دوم دایر بر نگهداری گاز اشک آور با عنیات به شکایت شاکی، تحقیقات مأمورین نیروی انتظامی، اظهارات متهم ردیف اول مبنی بر اینکه متهم ردیف دوم از گاز اشک آور استفاده نموده است. عدم حضور و عدم ارائه دفاع مؤثر از جانب متهم مزبور در محضر دادگاه اتهام انتسابی به وی محرز و مسلم تشخیص به استناد بند ت ماده ۱۲ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز حکم بر محکومیت وی به تحمل دو سال حبس تعزیری صادر و اعلام می دارد. رابعاً نسبت به اتهام متهم مزبور (ردیف دوم) دایر بر قدرت نمایی با گاز اشک آور با توجه به اینکه اقدام متهم به کیفیت معنونه قدرت نمایی نبوده، لذا وقوع بزهی محرز ندانسته به استناد بند الف ماده ۱۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری و حاکمیت اصل برائت حکم بر برائت ایشان صادر و اعلام می دارد. حکم صادره نسبت به ردیف اول، سوم و چهارم حضوری ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم تجدید نظر استان فارس خواهد بود. نسبت به ردیف دوم غیابی ظرف مهلت ۱۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه و ظرف مهلت ۲۰ روز پس از آن قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم تجدید نظر استان فارس خواهد بود. ۲۲۶/م الف

رئیس شعبه ۱۰۲ ح فیروزآباد

آگهی ابلاغ دادنامه حقوقی

۱۳۹۷۱/۴۰۳۵

بدینوسیله به آقای مطلب اسماعیلی مقدم فرزند عبدالنبی که بموجب دادنامه شماره ۲۳۳-۹۱/۴/۲۰ در پرونده کلاسه ۹۱/۱۴۵ شورای حل اختلاف نورآباد شعبه چهارم بخواسته مطالبه مبلغ پنجاه میلیون ریال در حق خواهان (آقای کوروش کریمی) محکوم گردیده است ابلاغ می شود چنانچه نسبت به حکم صادره اعتراض دارند ظرف بیست روز از تاریخ انتشار این آگهی درخواست خود را به این مرجع واقع در نورآباد ممسنی - خیابان جانبازان - روبروی مدرسه شهدا - شورای حل اختلاف تسلیم نماید. در غیر این صورت پس از انقضای مهلت مقرر طبق مقررات قانونی اقدام خواهد شد.

رئیس شورای حل اختلاف شعبه محله توتستان

رونوشت آگهی حصر وراثت

۲/۱۱۰۴

آقای حمید رضا شیخی دارای شناسنامه شماره ۲۲۱۸۵ متولد ۱۳۶۰ به شرح دادخواست به کلاسه... از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مرتضی شیخی به شناسنامه ۵ در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۱۳ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم عبارتند از:

۱- متقاضی / متقاضیه با مشخصات فوق الذکر:
۱- حمید رضا شیخی به شماره شناسنامه ۲۵ صادره از حوزه خشت متوفی / متوفیه (نسبت خویشاوندی) پسر متوفی
۲- محمد رضا شیخی به شماره شناسنامه ۲۲۱۸۵ صادره ازحوزه خشت پسر متوفی
۳- گل خانم شیخی به شماره شناسنامه ۳۳۷ صادره از حوزه خشت دختر متوفی
۴- فرشته شیخی به شماره شناسنامه ۱۳۷۰ صادره از حوزه خشت دختر متوفی
۵ - نسرین شیخی به شماره شناسنامه ۳۱۴ صادره از حوزه خشت دختر متوفی
۶- زهره راسته به شماره شناسنامه ۱۹۷ صادره از حوزه خشت همسر متوفی
۷ - الهام شیخی به شماره شناسنامه ۲۳۵۹ صادره از حوزه خشت دختر متوفی
۸ - آسیه شیخی به شماره شناسنامه ۷۰۵ صادره از حوزه خشت دختر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را برای یک نوبت آگهی می نماید تا چنانچه شخص یا اشخاصی اعتراضی دارند و یا وصیتنامه از متوفی نزد آنهاست ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی به شورا تقدیم نماید. بدیهی است پس از انقضاء مهلت وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد. ۷۳۸ / م الف

رئیس شورای حل اختلاف شهر خشت

رونوشت آگهی حصر وراثت

۲/۱۰۸۰

خانم زینب پرهیزکار دارای شناسنامه شماره ۱۵۲ متولد ۱۳۵۰ به شرح دادخواست به کلاسه... از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان علی اکبر دهقانی به شناسنامه ۳ در تاریخ ۹۲/۷/۲۴ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم عبارتند از:

۱- متقاضی / متقاضیه با مشخصات فوق الذکر
۲- زینب پرهیزکار به شماره شناسنامه ۱۵۲ صادره از حوزه خشت و کمارج متوفی / متوفیه (نسبت خویشاوندی) همسر
۳- سکینه دهقانی به شماره شناسنامه ۲۷ صادره از حوزه خشت و کمارج متوفی / متوفیه مادر

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را برای یک نوبت آگهی می نماید تا چنانچه شخص یا اشخاصی اعتراضی دارند و یا وصیتنامه از متوفی نزد آن ها است ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی به شورا تقدیم نماید بدیهی است پس از انقضاء مهلت وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد. ۷۲۳/م الف

رئیس شورای حل اختلاف شهر خشت

آگهی ابلاغ اجرائیه

۲/۱۰۷۶

بموجب اجرائیه شماره ۹۱/۳۲۹ ش ۵ مورخ ۹۲/۸/۱۳ صادره از شعبه پنجم شورای حل اختلاف کازرون که طی دادنامه شماره ۷۷ مورخ ۹۲/۲/۳۱ شعبه پنجم شورای حل اختلاف کازرون قطعیت یافته محکوم علیه عبدالرضا حیات داودی فرزند علی محکوم است به پرداخت مبلغ پانزده میلیون ریال بابت اصل خواسته و مبلغ سی هزار ریال هزینه دادرسی و همچنین خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ چک ۹۱/۷/۱ تایوم الوصول در حق محکوم له غلامرضا سبزه واری فرد بدینوسیله ابلاغ می شود که ظرف ده روز از تاریخ درج آگهی نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام والا برابر مقررات قانونی حکم مزبور اجرا خواهد شد. ۷۳۴ / م الف

رئیس شورای حل اختلاف شعبه پنجم شهرستان کازرون

آگهی

۱۳۹۶۸

بدینوسیله به خانم فاطمه رضائیان فرزند حسن شناسنامه شماره ۲۷۸ صادره از بوشهر ساکن بوشهر روستای چاهکوتاه ابلاغ می شود که بانک کشاورزی بوشهر به استناد سند رهنی شماره ۱۰۳۳۱۳ -۶ /۸۳/۳ دفتر ۳ بوشهر جهت وصول مبلغ ۹۷/۹۷۱/۰۳۱ ریال تا تاریخ ۹۰/۵/۲۷ به انضمام خسارت تأخیر متعلقه و از تاریخ مذکور تا روز تسویه کامل بدهی طبق مقررات علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۸۳۰۹ قدیم و ۹۰۰۰۱۲۷ جدید در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۲/۱/۱۸ مأمور، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، مورد وثیقه مندرج در سند رهنی فوق با تقاضای بستانکار پس از ارزیابی از طریق مزایده فروخته و از حاصل فروش آن طلب بستانکار و حقوق دولتی استیفا خواهد شد. تاریخ انتشار: ۹۲/۸/۲۶ ۱۷۶۹م /الف

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی بوشهر

آگهی

۱۳۹۶۹

بدینوسیله به آقای سعید زنگنه فرزند احمد شناسنامه شماره ۱۰۶۸۴ صادره از بوشهر ساکن بوشهر روستای چاهکوتاه ابلاغ می شود که بانک کشاورزی بوشهر به استناد سند رهنی شماره ۶ - ۸۳/۳/۱۰۳۳۱۳ دفتر ۳ بوشهر جهت وصول مبلغ ۹۷/۹۷۱/۰۳۱ ریال تا تاریخ ۹۰/۵/۲۷ به انضمام خسارت تأخیر متعلقه و از تاریخ مذکئر تا روز تسویه کامل بدهی طبق مقررات علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۸۳۰۹ قدیم و ۹۰۰۰۱۲۷ جدید در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۲/۱/۱۸ مأمور، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، مورد وثیقه مندرج در سند رهنی فوق با تقاضای بستانکار پس از ارزیابی از طریق مزایده فروخته و از حاصل فروش آن طلب بستانکار و حقوق دولتی استیفا خواهد شد. تاریخ انتشار: ۹۲/۸/۲۶ ۱۷۷۰ / م الف

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی بوشهر

آگهی مزایده نوبت اول

۲/۱۰۷۱

حسب پرونده ی ۹۲۰۰۳۰ محکوم علیه مجید هاشمی فرزند علی به پرداخت یکصد و پنجاه مثقال طلا در حق محکوم له جمیله سیفی فرزند خسرو و پرداخت مبلغ دویست و پنجاه هزار تومان در حق صندوق دولت محکوم گردیده، که پس از طی تشریفات قانونی اموالی از محکوم علیه طبق نظریه کارشناس رسمی دادگستری دویست و چهل میلیون ریال جهت پرداخت محکوم به ارزیابی و در تاریخ ۹۲/۹/۱۱ ساعت ۱۰:۳۰ (یازدهم آذر ماه ساعت ده و نیم) اموال ارزیابی شده از طریق مزایده در این واحد اجرائی در وقت مقرر با حضور نماینده محترم دادستان با قیمت پایه کار